

خشونت علیه مردان: خشونت گران لزوماً زنان نیستند

Photo: By Franz/www.shutterstock.com

مهدیس صادقی پویا

«خشونت خانگی» همواره به عنوان پدیده‌ای اجتماعی شناخته می‌شود که با «خشونت مردان علیه زنان» گره خورده است.

هر گاه صحبت از «خشونت خانگی» به میان می‌آید، کفه سنگین ترازو مملو از پژوهش‌ها، تحقیقات و کنشگری‌ها درباره کمیت و نوع خشونت است که مردان در خانه‌ها و خانواده‌ها علیه زنان اعمال می‌کنند. به همین سبب است که ابعاد گسترده‌تر و دیگر این نوع خشونت مخفی مانده و کمتر در فضاهای مختلف کنشگری و دانشگاهی مورد مباحثه و بررسی قرار می‌گیرد. این در حالی است که خشونت و در اینجا مشخصاً خشونت خانگی، محدود به خشونت مردان علیه زنان نبوده و افراد از جنس‌ها و جنسیت‌های مختلف می‌توانند در جایگاه قربانی، خشونت‌گر و مشاهده‌کننده خشونت قرار بگیرند.

البته که آمار بالای خشونت خانگی مردان علیه زنان، در روابط پدر و فرزندی، همسری، خواهری و برادری و ... بسیار بالاست، اما تمرکز بر انواع محدود و محدوده خشونت، ما را از مطالعه انواع دیگر آن غافل خواهد کرد. به همین سبب است که باید به انواع دیگر خشونت نیز توجه کرد. یکی از این خشونت‌ها با تمرکز بر اینکه قربانی کیست، خشونت بر مردان است که آن‌ها را در جایگاه قربانی خشونت قرار می‌دهد.

مردان و خشونت

نکته قابل توجه این است که مردان در جایگاه قربانی خشونت خانگی، نه لزوماً قربانی خشونت زنانند که در این صورت و با چنین نگاهی، گرفتار دوگانه‌های جنسی و جنسیتی خواهیم شد، بلکه این مردان می‌توانند به عنوان مردان هم‌جنس‌خواه، قربانی خشونت شرکای جنسی و عاطفی هم‌جنس خود که مردانند، بشوند.

بنابراین باید توجه کرد هنگامی که از خشونت علیه مردان سخن می‌گوییم لزوماً به نقش زنان به عنوان خشونت‌گر اشاره نمی‌کنیم که به معنای خشونت زنان علیه مردان باشد.

عوامل عدم گزارش خشونت خانگی توسط مردان

کریستوفر اف. باربر در مقاله‌ای با عنوان «خشونت خانگی علیه مردان» که در نشریه Art and Science منتشر شده، به این موضوع اشاره می‌کند که «خشونت علیه مردان، خشونتی است که به رسمیت شناخته نشده است. دلیل، عمدتاً این است که مردان به دلیل اینکه از گزارش کردن این نوع خشونت خجالت می‌کشند، آن را پنهان می‌کنند.»

ذکر این نکته لازم است که بسیاری از زنان نیز از گزارش و صحبت درباره تجربه زیسته‌شان از خشونت خانگی به دلیل مشابه امتناع می‌کنند و وجود خجالت و شرم موجب می‌شود تا از وجود چنین خشونتی در سپهر خصوصی زندگی‌شان صحبتی به میان نیاورند.

«ترس از مورد تمسخر قرار گرفتن» و «کمبود خدمات حمایتی» از دیگر عواملی هستند که باربر در کار تحقیقاتی خود به عنوان عواملی از آن‌ها یاد می‌کند که در کنار «خجالت کشیدن» موجب می‌شوند تا مردان از تجربه شخصی‌شان از خشونت خانگی دم نزنند.

ژوان دو پلات جونز در پژوهش دیگری با عنوان «خشونت خانگی: نقش متخصصان سلامت»، به این نکته اشاره می‌کند که به رسمیت شناخته نشدن خشونت خانگی علیه مردان موجب می‌شود تا مردان زیادی که قربانی این خشونت هستند از خدمات مراقبتی سلامتی و اجتماعی ارائه شده توسط متخصصان سلامت محروم بمانند و تعداد چنین مردانی نیز بسیار بالاست.

باربر در تحقیقات خود میان مفاهیم «خشونت خانگی Domestic Violence» و «آزار و اذیت خانگی Domestic Abuse» تفاوت قائل می‌شود. او خشونت خانگی را خشونتی جسمانی تعریف می‌کند و آزار و اذیت خانگی را خشونتی متنوع‌تر و وسیع‌تر در نظر می‌گیرد که شامل خشونت مالی، خشونت کلامی و خشونت روانی است.

او در تحقیق مذکور به خشونت خانگی به عنوان خشونتی جسمانی اشاره می‌کند و مردانی را مورد بررسی قرار می‌دهد که چنین تجربه‌ای

از خشونت داشته‌اند.

باربر از تعاریف مورد استفاده مارتین و لائو در پژوهش‌شان استفاده می‌کند. در این تحقیقات «شخص مورد ضرب و شتم قرار گرفته» به عنوان کسی معرفی می‌شود که توسط همسر یا شریک زندگی تحت خشونت جسمانی قرار گرفته است.

چنین تعریفی از خشونت موجب می‌شود تا مردان به عنوان سوژه‌های آسیب‌دیده از ضرب و شتم، در خشونت خانگی به عنوان بزه دیده به رسمیت شناخته شوند.

بیشتر بخوانید:

[تجاوز و تعرض یا توافق میان فردی: «خشونت جنسی خانگی چیست؟»](#)

[خشونت خانگی، فراتر از دوگانه جنسیت، دگرجنس‌گرایی و ازدواج](#)

[کودکان، «آسیب‌دیدگان خاموش» خشونت خانگی](#)

خشونت خانگی میان مردان همجنس‌خواه

همان‌طور که اشاره شد، مردان قربانی خشونت خانگی می‌توانند مردانی باشند با گرایش‌های جنسی مختلف: همجنس‌خواه، دگرجنس‌خواه و... . مردان مورد ضرب و شتم قرار گرفته اما لزوماً و عموماً توسط زنان مورد خشونت قرار نمی‌گیرند.

با بررسی خشونت خانگی علیه مردان می‌توان مشاهده کرد که نتایج پژوهش‌های متعدد در حوزه جنسیت نیز نشان می‌دهند آمار خشونت خانگی میان مردان همجنس‌خواه به شکل چشم‌گیری بالاست که باید بر آن تمرکز و تأمل بیشتر کرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پاتریک لتیر در مقاله‌ای با عنوان «قربانی‌شدگی مردان همجنس‌گرا و دوجنس‌گرا در خشونت خانگی: به چالش کشیدن نظریه فمینیستی و پاسخی به خشونت»، به بررسی خشونت خانگی در زوج‌هایی می‌پردازد که از مردان تشکیل شده‌اند.

او به این مسئله اشاره می‌کند که: «یکی از تمایزهای اساسی میان مردان همجنس‌گرا و دوجنس‌گرای تحت خشونت و تمامی زنان تحت خشونت این است که این مردان از اینکه خود را قربانی خشونت تلقی کنند، سر باز می‌زنند چرا که مرد هستند.»

لتیر در این مقاله به این نکته نیز اشاره می‌کند که یکی از دلایل مردان برای فرار از اینکه خود را قربانی خشونت معرفی کنند، این است که اغلب زنان قربانی خشونت خانگی‌اند و همین موجب می‌شود تا مردان از چنین تجربه‌ای سخن نگویند.

در نهایت، بسیاری از پژوهشگران که در زمینه بررسی و مطالعه خشونت علیه مردان به کار مشغولند بر این نکته اتفاق نظر دارند که تعریف و پاسخ مردان تحت خشونت به خشونت است که باید مورد بررسی بیشتر قرار گیرد، چرا که این مسئله دقیقاً همان چیزی است که در بررسی خشونت علیه زنان و خشونت علیه مردان نقطه اصلی تأمل را فراهم می‌آورد.

شناخت بهتر چنین مسئله‌ای به ما کمک می‌کند تا در ارائه خدمات حمایتی به مردان تحت خشونت، بهتر عمل کنیم.